

اخلاق و سیاست

اندیشه سیاسی در عرصه عمل

نویسنده:

دکتر علی اصغر کاظمی

www.ketab.ir

ویرایش نو



- سرشناسه : کاظمی، علی اصغر، ۱۳۱۹-۱۴۰۰ م.
- عنوان و نام پدیدآور : اخلاق و سیاست: اندیشه سیاسی در عرصه عمل / علی اصغر کاظمی؛ ویراستار مهدی عباسی.
- وضعیت ویراست : ویراست ۲.
- مشخصات نشر : تهران: قومس، ۱۴۰۳.
- مشخصات ظاهری : ۳۱۲ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س. م.
- شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۱۶-۱۰-۷
- وضعیت فهرست نویسی: لیبیا.
- یادداشت : ویراست قبلی: نشر قومس، ۱۳۷۶ (۲۷۱ ص).
- یادداشت : کتابنامه.
- یادداشت : نمایه.
- عنوان دیگر : اندیشه سیاسی در عرصه عمل.
- موضوع : اخلاق و سیاست (Political ethics)
- موضوع : اخلاق اجتماعی (Social ethics)
- شناسه افزوده : مهدی عباسی، ۱۳۵۴ -، ویراستار.
- رده بندی کنگره : JAV۹ ::
- رده بندی دیویی : ۱۷۲ :
- شماره کتابشناسی ملی : ۹۸۳۳۰۱۶



نام کتاب: اخلاق و سیاست (اندیشه سیاسی در عرصه عمل)

نویسنده: دکتر علی اصغر کاظمی

ویراستار: مهدی عباسی

طراح جلد: محدثه موسوی

نوبت چاپ: دوم

سال چاپ: ۱۴۰۳

شمارگان: ۲۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۱۶-۱۰-۷

چاپ و صحافی: معجد

نشانی ناشر: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، پایین تر از لبافی نژاد، کوچه بهار، شماره ۱۱

www.ghoomes.com

تلفن و نمابر: ۶۶۴۷۰۱۶۲ - ۶۶۴۷۰۱۵۳ - ۶۶۴۹۱۰۰۰

قیمت: ۲۵۰/۰۰۰ تومان

کلیه حقوق چاپ و نشر (افست و الکترونیکی)، تکثیر، نسخه برداری و ترجمه برای نشر قومس محفوظ است.
(استفاده از مطالب کتاب فقط با ذکر مآخذ آزاد است.)

فهرست مطالب

پیشگفتار	۹
مقدمه	۱۳

فصل اول) اخلاق و سیاست: کلیات

۱. طرح مسأله	۱۷
۲. چارچوب مفهومی و تاریخی	۲۱
۳. پرسش‌های اساسی در فلسفه اخلاق و سیاست	۲۶
۴. اخلاق و شیوه‌های اقناعی سیاست	۳۲
۵. طرح «نظریه اخلاقی سیاست»	۳۶

فصل دوم) اخلاق و سیاست از دیدگاه روش‌شناختی

۱. روش و بینش در اخلاق	۴۱
۲. اخلاق از دیدگاه فلسفی	۴۶
۳. اخلاق از دیدگاه علمی	۵۱
۴. اخلاق از دیدگاه علوم رفتاری	۵۴
۵. اخلاق از دیدگاه حقوقی	۵۷
۶. اخلاق از دیدگاه اعتقادی و فرهنگی	۵۹

فصل سوم) اخلاق، سیاست و حکومت

۱. اخلاق و فلسفه سیاسی	۶۴
۲. عمل سیاسی و فعل اخلاقی	۶۷
۳. اخلاق: عرصه تقابل خیر و شر	۷۲
۴. اخلاق مطلق، اخلاق نسبی	۷۶

۵. الزام اخلاقی و تکلیف حقوقی ۸۰
۶. واقعیت سیاسی و اخلاق اجتماعی ۸۵

فصل چهارم) اخلاق و سیاست نزد پیشگامان اندیشه ۹۰

۱. اخلاق و سیاست در دوران باستان ۹۰
۲. اخلاق در شرق باستان ۹۳
- الف: خاور دور ۹۳
- ب: خاورمیانه و خاور نزدیک ۹۷
۳. اخلاق در غرب باستان ۱۰۰
۴. اخلاق در مکتب رواقی ۱۱۳

فصل پنجم) اخلاق و سیاست: از حاکمیت دین تا عصر نوزایش ۱۱۸

۱. اخلاق در اندیشه سیاسی شرق و وسطی ۱۱۸
۲. دو چهره شاخص اندیشه دین در اخلاق و سیاست ۱۲۲
۳. اخلاق سیاسی دوران نوزایش (رنسانس) ۱۲۷
۴. دوره گذار به اخلاق سنت روشنگری ۱۳۶

فصل ششم) اخلاق و سیاست در عصر روشنگری ۱۴۲

۱. اخلاق و حاکمیت سیاسی ۱۴۲
۲. کانت و نظریه وجدانی اخلاق ۱۴۸
۳. هگل و نظریه اخلاقی دولت ۱۵۰
۴. نیچه و اخلاق اقتدارگرا ۱۵۳
۵. اخلاق در اندیشه اثباتی کُنت ۱۵۶
۶. هیوم و اخلاق تجربی ۱۵۹

فصل هفتم) اخلاق در اندیشه سیاسی معاصر ۱۶۴

۱. گرایش‌های اخلاقی در سده جدید ۱۶۴

۲. دورکیم و جامعه اخلاقی ۱۶۹
۳. مارکس وبر: اخلاق مسئولیت و اخلاق اعتقاد ۱۷۳
۴. پراگماتیسم و علوم اخلاقی ۱۷۹
۵. اخلاق تکاملی و اخلاق طبقاتی ۱۸۵

فصل هشتم) اخلاق در اندیشه سیاسی اسلام ۱۸۸

۱. اسلام، اخلاق و ایمان ۱۸۸
۲. اخلاق، سیاست و حکومت در اسلام ۱۹۲
۳. اخلاق و سیاست در اندیشه متفکران اسلامی ۱۹۷
۴. اخلاق در اندیشه سیاسی غزالی ۲۰۱
۵. اخلاق در مدینه فاضله فارابی ۲۰۷
۶. ابن مسکویه رازی و اخلاق مدنی ۲۰۹
۷. اخلاق، دیانت و سیاست نزد ابوالحسن عامری ۲۱۳
۸. اخلاق و سیاست نزد ابن سینا ۲۱۵
۹. اخلاق ناصری و اندیشه سیاسی ۲۱۷

فصل نهم) اخلاق در سیاست و روابط بین الملل ۲۲۰

۱. اخلاق در سیاست بین الملل ۲۲۰
۲. سیاست و کثرت گرایی اخلاقی ۲۲۴
۳. سیاست، قدرت و اخلاق ۲۲۹
۴. اخلاق و دیپلماسی ۲۳۴

فصل دهم) اخلاق و سیاست در جامعه مدرن ۲۴۳

۱. اخلاق قراردادی و اخلاق انتقادی ۲۴۳
۲. نقد تفکر اخلاقی جوامع مدرن ۲۴۶
۳. اخلاق در عصر «فرامدرن» ۲۴۹
۴. انسان اخلاقی و جامعه بی اخلاق ۲۵۶
۵. اخلاق، بحران اعتماد و مشروعیت سیاسی ۲۵۹

۲۶۵ بحران اخلاقی و انقلاب ارزش‌ها

۲۷۰ فصل یازدهم) اخلاق و سیاست در سده بیست و یکم

۲۷۰ ۱. اخلاق، فضیلت و تقوای سیاسی: دورنمای آینده

۲۷۷ ۲. زوال سیاست و استحاله انسان سیاسی

۲۸۲ ۳. از انقلاب سیاسی تا انقلاب اخلاقی

۲۸۷ ۴. فرجام انسان سیاسی در سده بیست و یکم

۲۹۱ نتیجه‌گیری

۲۹۵ فهرست منابع

۳۰۴ نمایه

www.ketab.ir

به نام خداوند جان و خرد

پیشگفتار

وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْاِخْلَاقِ

(و به من اخلاق بلندمرتبه عطا کن)

«از دعای مکارم اخلاق»

شاید در هیچ دوره‌ای از تاریخ پرفراز و نشیب تمدن بشری، مانند عصر پرتلاطم و پرحادثه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، بحث اخلاق و ضرورت پرداختن به اصول، هنجارها، ارزش‌ها و فضائل اخلاقی، تا بدین حد احساس نشده باشد. علم و تکنولوژی سیطره خود را بر تمامی شئون زندگی بشری گسترانده است و مفاهیم سنتی و اصول والای معنوی و اخلاقی ناخواسته زیر پرتو پیشرفت‌های شگرف مادی قرار گرفته‌اند. انقلاب ارتباطات و اطلاعات مرزهای سیاسی را درهم شکسته است و ملت‌ها و دولت‌های بزرگ و کوچک، غنی و فقیر، شمال و جنوب ... همه به یکسان در معرض تهاجم تکنولوژی فرهنگی و مخاطرات ناشی از طوفان درهم‌کوینده آن قرار گرفته‌اند. در سده بیست و یکم، بحران تمدن بشری می‌رود که به نقطه عطف خود نزدیک شود.

با وجود آن‌که چرخش سده‌ها در ذات خود هیچ معنا و مفهوم خاصی ندارد، برداشت ما از این تحول بسیار تعیین‌کننده است. بی‌تردید، علم و دست‌آوردهای شگرف آن، در بینش جدید ما از انسان، جامعه، حکومت و مفاهیم اساسی زندگی اجتماعی، مانند آزادی، عدالت، حقوق، امنیت و غیره، تغییر عملی و کلی داده است. علم جدید به جای آن‌که انسان را به حقیقت، فطرت و فضیلت نزدیک کند، مانع عمده‌ای در راه آزادی اندیشه و سلوک او گردیده است. از جمله پیامدهای عملی این تحول، بروز بحران در همه زمینه‌های زندگی است. به نظر نمی‌رسد که در سال‌های پیش‌رو، تدبیر این بحران‌ها به روش‌های متعارف امکان‌پذیر

باشد. لذا، بشریت در حالی قدم به عرصه دوران جدید می‌گذارد که کوله‌باری از مشکلات، بحران‌ها و تضادها را همراه خود دارد. در چنین شرایطی است که صاحب این قلم پس از سالیان متمادی پژوهش، تألیف و تدریس در زمینه‌های مختلف حقوقی، سیاسی، فلسفی و اجتماعی، مبادرت به نگارش کتاب اخلاق و سیاست نمود.

انگیزه پژوهش و اندیشه در مسائل اخلاقی و فلسفی، از اولین سال‌هایی که نگارنده با مفاهیم حقوقی و سیاسی آشنا شد، ایجاد گردید. تصدی مشاغل اجرایی، آموزشی و پژوهشی در مراحل مختلف زندگی حرفه‌ای، به تدریج به این تمایل و اشتیاق شتاب بخشید. اقامت و تحصیل در کشورهای مختلف، آشنایی با فرهنگ‌های متفاوت، تأمل و کنجکاوی در بینش و سلوک انسان‌ها، شیوه‌های حکومتی، رفتار اجتماعات و مقایسه میان ملت‌ها از ابعاد گوناگون، همواره سلسله پرسش‌هایی را در ذهن نگارنده مطرح می‌کرد که پرداختن بنیادی به آنها ممکن نبود. کسانی که با دیگر تألیفات این قلم آشنا هستند، احتمالاً دریافته‌اند که وجه مشترک شاخص همه آنها، طرح مسائل به شیوه انتقادی با درون‌مایه اخلاقی و فلسفی است. این گرایش ناخودآگاه، که متأثر از ساخت اندیشه و بینش فردی است، تقریباً به گونه‌ای در تمام نوشته‌های این قلم وجود داشته است و گواه عینی آن اختصاص فصل مجزایی به اخلاق در تألیفات مختلف می‌باشد.

پس از آن‌که کار تألیف کتاب روش و بینش در سیاست به انجام رسید و توفیق چاپ آن دست داد، درصدد برآمدن روی دو محور، که همواره در جریان تدریس و پژوهش، ذهنم را به خود مشغول می‌کرد کار کنم. اولین آن بحث سنت و تجدد در ایران معاصر، با تأکید بر مسأله بحران فرهنگ سیاسی بود. خوشبختانه این کتاب توسط نشر قومس چاپ شده است. مورد دوم بحث اخلاق و سیاست است که موضوع کتاب حاضر می‌باشد.

انجام این تحقیق در شکل حاضر، بدون کمک‌های دوستان و دانشجویان دوره دکتری، که مشتاقانه در مباحثات ما شرکت داشتند و با فراهم آوردن منابع پژوهشی مفید، نگارنده را یاری کردند، میسر نبود. بدین وسیله از تمام کسانی که

به شکلی در غنی‌تر شدن و صیقل خوردن موضوعات با نگارنده به گفت‌وگو نشستند و یا برای بهبود آن پیشنهادهایی دادند، قدردانی می‌شود. امید است مطالعه این دفتر که از سر اخلاص و اعتقاد راسخ به سعادت و فضیلت انسان نوشته شده، انگیزه‌ای برای اندیشه جدی، هوشمندانه و صادقانه در مورد فرجام نسل‌های آینده همه جوامع، به‌ویژه ملت ایران، ایجاد کند.

علی‌اصغر کاظمی

تهران: دوم دیماه ۱۳۷۵

مقدمه

وجود نظام اجتماعی مبتنی بر سلسله اصول، هنجارها، ارزش‌ها و الگوهای است که معمولاً اخلاق نامیده می‌شود. جامعه‌شناسان اخلاق را به منزله خونی تلقی کرده‌اند که پیوسته و به صورت پنهان در پیکر جامعه و نهادهای اجتماعی در جریان است. از این دیدگاه، هیچ نهاد، حرفه و قلمرویی نیست که قادر باشد فارغ از اخلاق، که مرزهای سلوک و رفتار به هنجار را معین می‌کند، به حیات مشروع خود ادامه دهد. اخلاق هر جامعه ملاک و معیار باید و نبایدهای آن را تعیین می‌کند و انسان اجتماعی را در مسیر زندگی غایتمند خود به سمت کمال، فضیلت و سعادت هدایت می‌کند.

اخلاق، هم خاستگاه دینی دارد و هم متأثر از عرف، فرهنگ، تاریخ و سایر پدیده‌های اجتماعی می‌باشد. درواقع، نوعی تعامل دایمی میان این مفاهیم و پدیده‌های اجتماعی و اخلاق وجود دارد که باعث می‌شود در طول زمان، اصول، ارزش‌ها و هنجارهای پایدار، مقدس و جاافتاده جامعه صیقل بخورد و الگوهای موجه و مقبول رفتار فردی و جمعی را تشکیل بدهد.

گرچه بحث اخلاق و اخلاقیات در عرصه‌های مختلف اجتماع موضوعی کم و بیش متداول و مرسوم است، اما وقتی وارد قلمروی سیاست می‌شویم، مسأله رنگ و بوی دیگری پیدا کرده و بسیار پیچیده و تناقض‌آلود می‌گردد. درحقیقت، این دشواری و تناقض از خود مفهوم ماهیت سیاست سرچشمه می‌گیرد. درست به همین خاطر است که از طلوع ستاره تفکر و اندیشه سیاسی در عصر باستان تا به امروز، فرشته اخلاق همواره پهلوی پهلوی سیاست، نگران و دلوایس مسیر حرکت، تکامل و عملکرد آن بوده است. پیشگامان اندیشه و اخلاق از کنفوسیوس و بودا و زردشت تا افلاطون و ارسطو، هر یک به طریقی در باب فضیلت و اخلاق و

رابطه آن با سیاست و جامعه، آموزه‌ها و تعالیمی از خود به جای گذاشته‌اند. امروزه ما با انبوهی از آراء و نظریات و دانش‌های انباشته شده درباره اخلاق و سیاست سروکار داریم که زمینه پیدایش مکتب‌ها و گرایش‌های فکری متفاوتی را در طول سده‌ها فراهم آورده است. به همین لحاظ، پرداختن به بحث اخلاق و سیاست، در واقع غوطه‌ور شدن در دریایی از نوشته‌ها، کتب و رسالاتی است که در عرصه اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی در این قلمرو گسترده وجود دارد. لذا برای آن‌که قادر باشیم از این دریای بیکران، تحفه‌ای فراخور دنیای متحول امروز و شایسته اهل اندیشه، دانش و بینش عرضه کنیم، محور بحث را در این دفتر بر طرح یک نظریه کلی و چند فرضیه اساسی قرار داده‌ایم.

موضوعات مختلف اخلاق و سیاست در این کتاب، در یازده فصل تدوین و تشریح شده است. فصل اول به کلیات بحث شامل: یک مقدمه و چارچوب مفهومی و تاریخی، همراه بررسی‌های اساسی مطرح شده در طول کتاب، می‌پردازد. در همین فصل، «طرح نظریه اخلاقی سیاست»، به‌عنوان راهنمای تحلیل محتوایی و ادعای اصلی مطرح گردیده است.

فصل دوم، موضوع اخلاق و سیاست را از دیدگاه‌های مختلف روش شناختی مورد توجه قرار می‌دهد. اهمیت این فصل از آن جهت است که به خواننده تیزبین امکان می‌دهد مسأله را از ابعاد مختلف آن واریسی و در صورت لزوم روی روش خاصی که هماهنگی بیشتری با بینش و تخصص او دارد، تأمل کند. در فصل سوم، موضوع اخلاق و سیاست از دیدگاه حکومت، فلسفه سیاسی و عمل سیاسی مورد توجه قرار گرفته و با طرح مسائل مربوط به اخلاق عملی، الزام اخلاقی و تکلیف حقوقی، واقعیت سیاسی و اخلاق فردی و اجتماعی، زمینه را برای مرور آراء و نظرات قدما و پیشگامان اندیشه در دوره‌های مختلف تاریخ فراهم می‌نماید.

بدین ترتیب، فصول چهارم و پنجم، اخلاق و سیاست را در دوران باستان و در سرزمین‌های شرق و غرب، قرون وسطی تا عصر رنسانس و دوره گذار به عصر روشنگری، بررسی می‌کند.

به اعتقاد ما، فایده نظری و عملی بسیاری بر این مرور تاریخی مترتب است.

از همین مسیر ما در می‌یابیم که بسیاری از تعالیم و آموزه‌های کهن درباره اخلاق و نقش آن در قلمروی سیاست، هنوز از تازگی و استحکام بالایی برخوردار است. فصل ششم، اخلاق و سیاست را در سنت نوین تفکر و اندیشه انقلابی عصر روشنگری بررسی می‌کند. در همین فصل، آراء و نظرات مختلف فیلسوفان طراز اول، از امانوئل کانت و نظریه اخلاق وجدانی او تا اخلاق تجربی دیوید هیوم، مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

اخلاق در اندیشه سیاسی معاصر، موضوع فصل هفتم است. در این فصل گرایش‌های عمده اخلاقی قرن بیستم، همراه نظرات اندیشه‌ورزانی مانند، امیل دورکیم، ماکس وبر، جان دیوئی، ویلیام جیمز، کارل مارکس، فردریش انگلس و ولادیمیر ایلیچ لنین، طرح و بررسی می‌گردد.

بی‌تردید، بحث اخلاق و سیاست، بدون وارد شدن در اندیشه سیاسی اسلام و بررسی آراء و نظرات متکلمین و فیلسوفان بنام آن نمی‌توانست جامع و کامل باشد. از همین رو، فصل هشتم را به این مهم اختصاص دادیم و در حدی که ظرفیت و توان علمی اجازه می‌داد، به طرح آراء و نظرات متفکرانی مانند امام محمد غزالی، فارابی، ابن مسکویه، ابن سینا و دیگران همت گماردیم. در همین فصل، اخلاق و سیاست را از بعد عملی حکومت در اسلام با اشاره کوتاهی به مشی سیاسی حضرت امام علی (ع) شرح می‌دهیم.

در فصل نهم، بحث اخلاق را در عرصه سیاست روابط بین‌الملل مطرح می‌کنیم و در می‌یابیم که در نظام بین‌المللی حاضر ما با نوعی کثرت‌گرایی اخلاقی مواجهیم. در همین فصل خواهیم دید که چگونه الزامات منافع ملی و قدرت سیاسی در جوامع مستقل، اخلاق فردی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. فصل دهم شامل یک بحث انتقادی و ارزشی از اخلاق و سیاست در جوامع «مدرن» است که زمینه را برای بروز بحران اعتماد و مشروعیت فراهم می‌آورد. ویژگی‌های جامعه «فرامدرن» از نظر اخلاقی و ارزشی موضوع بسیار حساسی است که سرنوشت انسان‌ها و جوامع را در پایان سده بیستم رقم می‌زند، و در همین فصل به آن پرداخته شده است. فصل یازدهم و پایانی، در یک جمع‌بندی کلی، دورنمای تحقق «نظریه

اخلاقی سیاست» را به تصویر می‌کشد. این واقعیت که دستیابی به آمیزه‌ای مطلوب از اخلاق و سیاست مستلزم ترکیب دو بینش نامتجانس آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است، ما را در طرح این نظریه و حمایت از آن مأیوس نمی‌کند. اتکاء زیاده از حد آرمان‌گرایان به اخلاق و قانون و گرایش تعصب‌آمیز واقع‌گرایان به قدرت و سیاست در دهه‌های گذشته، نوعی تعارض و دوگانگی آشتی‌ناپذیر میان آنها ایجاد کرد. این وضعیت از یک‌سو باعث سیر قهقراپی اخلاق گردید و از سوی دیگر موجب زوال سیاست و استحاله انسان سیاسی شد. از این رو، بی‌آن‌که تسلیم تقدیر و یا اوهام و خوش‌خیالی شویم، فرجام نیکوی انسان سیاسی در سده بیست‌ویکم را در گرو دگرگونی و تحول او از درون می‌دانیم. زیرا معتقدیم که در سده آینده، انقلاب علم و تکنولوژی به نقطه عطف خود خواهد رسید، و انقلاب ارتباطات و سیل کوبنده اطلاعات، آن‌چنان حجاب از چهره دولت‌های خودکامه و کارگزاران فاسد آنها برخواهد داشت که دیگر شیوه‌های مرسوم تبلیغاتی و عوام‌فریبانه و انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی، قادر به ترمیم اعتبار و مشروعیت حکومت‌ها و نجات جامعه نخواهند بود. چرا که وقتی انحطاط اخلاقی، مادی‌گرایی، تباهی و فساد فراگیر شد، تنها انقلاب از درون، بازگشت به خویشتن و توسل به نیروهای معنوی، اخلاق و ایمان واقعی به سعادت و فضیلت انسان، می‌تواند جامعه را از سقوط و زوال رهایی بخشد.

از آنجا که در تألیف کتاب حاضر، علاوه بر ارجاعات و زیرنویس‌های متن، منابع و مدارک دیگری مورد استفاده و مراجعه قرار گرفته است، در پایان، فهرست تکمیلی به نسبت مفصلی از گزیده کتب، مجلات و مقالات فارسی و خارجی درج گردیده است، که مراجعه به آنها برای علاقه‌مندان به موضوع مفید خواهد بود. بی‌تردید، مسائل و بحث‌های دیگری در چارچوب موضوع اخلاق و سیاست مطرح می‌باشد که نگارنده به‌خاطر ایجاز عمداً یا سهواً به آنها نپرداخته است. از اهل قلم و اندیشه انتظار دارد در راستای وظیفه روشنگری و تعهد خود به قلمرو علم، معرفت و اخلاق، این رسالت را به انجام برسانند.